

متن پرسش

صلوات بر پیامبر و سلام و درود به شما. سوال کردن که شما محبوبیت ندارید میخام بگم که مردان الهی همواره در راه تبلیغ دین مورد نیش و کنایه دشمنان بوده اند و مادامی که حضرتعالی پشتیبان و حامی حاکم ستمگر و ویرانگر کشور و ملت نباشید در دل ما جای دارید و کتابهای شما زینت دهنده کتابخانه ما و مطالعه آن باعث نورانیت دل و روح ماست. اما در استانه هفته دولت مطلبی از امام عزیزمان را دیدم که خطاب به حاکم فعلی فرمودن ولی متاسفانه گوش نکردن و الان رسیدیم به وضعیت فعلی که فساد و بی عدالتی جامعه اسلامی را فراگرفته و به جایی رسیدیم که پول نفتمان با اجازه آمریکا در عمان بلوکه شده و باید با اجازه شیطان جهانخوار!!! خرج کنیم. بیانات امام خمینی در دیدار با هفته دول ۱۳۶۲ یکی از انگیزه هایی که دیکتاتوری پیش می آورد این است که دیکتاتورها می بینند ملت همراهشان نیست، اعمال دیکتاتوری می کنند. یکی از انگیزه هاست البته، انگیزه های دیگر هم دارد. چنانچه ملت ها همراه دولت باشند، وجهی پیدا نمی کند که دیکتاتوری بکنند با ملت خودشان، مجهز می شوند برای کسانی که به آنها حمله می کنند. وقتی که ملت جدا باشد از دولت و دولت هم بخواهد از ملت استفاده کند و بدوشد ملت را، دیکتاتوری پیش می آید. به مناسبت هفته دولت، صبح روز هفتم شهریور ۱۳۶۲ اعضای هیئت دولت به همراه رئیس جمهور و نخست وزیر وقت با حضرت امام در جماران دیدار کردند. امام در این دیدار با تشریح انگیزه حضور مردم در انقلاب، لزوم خدمت مسئولان به مردم را یادآور شدند. متن کامل سخنان امام و توصیه های ایشان در ذیل آمده است: بسم الله الرحمن الرحيم موقعیت جمهوری اسلامی در دنیا در این «هفته دولت»، ما تلخی ها و شیرینی ها داشتیم. تلخی ها از دست دادن چند نفر اشخاص متعهد که قبل از هفته، مرحوم «عراقی» بود که من مرحوم عراقی را از آن اولی که نهضت شروع شد و تماس با ما داشتند، می شناختم و انصافاً مردی بود که عمرش را صرف خدمت به اسلام کرد. و در این هفته هم که مرحوم آقای «رجایی» که همه می دانید چقدر مرد متعهدی و خدمتگزاری بود، و واقعاً معلم اخلاق بود به اعمال خودش. و همین طور آقای «باهنر» که مرد دانشمند متعهد و معلمی بود. این اسباب تأسف و تأثر ماست و شما. و این تلخی است که خوب، غیر از این هم ما در این طول مدت داشتیم. و شیرینی و شیرینی ها آنچه بحمد الله در این هفته که «هفته دولت» است و واقعاً باید هفته دولت حساب کرد. دولت و هر چه وابسته به اوست و ارتش و سپاه و همه اینها جای خودشان را در دنیا باز کرده اند. یعنی، دنیا امروز روی این جمهوری و روی دولت جمهوری و روی رئیس جمهور این کشور و روی مجلس و همه ارگان های دیگر حساب باز کرده است. آنهایی که تا کنون در کمین بودند که این دولت در بین خودشان یک

چیزهایی واقع می شود و مردم هم اینها را قبول ندارند و بعد از یکی دو ماه قضیه تمام است، و صدام هم روی همین زمینه بازی اش دادند، الآن چند سال است گذشته است و آنها باز در خارج نشسته اند و منتظرند به اینکه کسانی برایشان کار بکنند و آنها بیایند بهره برداری کنند. و بحمد الله الآن دولت استقرار پیدا کرده است و کشور ما یک کشور مستقر مستقلی، آزادی است. و من امیدوارم که بیشتر از این، رو به استقلال و آزادی و جهات دیگر برود. اسلامیت انقلاب، انگیزه حضور مردم در صحنه ها و مهم همین معناست که کراراً من عرض کرده ام، این است که جمهوری چون اسلامی است و ملت اسلامی هستند، مسلم هستند، مادامی که دولت و رئیس جمهور و رئیس مجلس و مجلس و قوای قضائیه و ارتش و پاسدار و همه، رو به اسلام باشند این کشور اسلامی رو به آنهاست، و اساس همین است که برای خاطر اسلامی بودن از اول پیروزی حاصل شد. شما گمان نکنید که اگر یک انگیزه دیگری عرضه شده بود به این ملت، ملت مجتمع می شدند. برای اینکه ملت، ملت مسلمان است. وقتی که اسلام عرضه شد، خوب، تمام روحانیون، اکثر روحانیون، اکثر کسانی که در کار بودند تبلیغ کردند و مردم را به صحنه آوردند، و مردم هم خودشان با روی گشاده آمدند، و تا امروز هم تمام این فداکاریها، فداکاریهای روی اسلام است نه اینکه حساب دیگری دارد. مسأله ملیت هست، اما نه آن طوری که آقایان خیال می کنند که ما ملیت را بگیریم و کاری به اسلام نداشته باشیم، اول ملی باشیم و بعد اسلامی باشیم، نخیر، مسأله اسلامی بودن است که مردم را وادار کرد به اینکه جوان هایشان را بدهند و فریاد بزنند باز جنگ، این غیر از این چیزی نیست. همراه نبودن مردم با حکومتهای دیکتاتور و من کراراً به آقایان عرض کرده ام و حالا هم باز تکرار می کنم که خدمتگزار باشید به این ملتی که آن دست های خیانتکار را قطع کرد و این امانت را به شما سپرد. شما الآن امانت بزرگی از دست این ملت تحویل گرفتید و مقتضای امانتداری این است که آن را به طور شایسته حفظ کنید و به طور شایسته به نسل آینده و دولت های آینده تحویل بدهید، و مادامی که این طور باشید ملت پشت شماست، و مادامی که ملت همراه شما باشد هیچ آسیبی به شما و به کشور نمی رسد. یکی از انگیزه هایی که دیکتاتوری پیش می آورد این است که دیکتاتورها می بینند ملت همراهشان نیست، اعمال دیکتاتوری می کنند. یکی از انگیزه هاست البته، انگیزه های دیگر هم دارد. چنانچه ملت ها همراه دولت باشند، وجهی پیدا نمی کند که دیکتاتوری بکنند با ملت خودشان، مجهز می شوند برای کسانی که به آنها حمله می کنند. وقتی که ملت جدا باشد از دولت و دولت هم بخواهد از ملت استفاده کند و بدوشد ملت را، دیکتاتوری پیش می آید. در این رژیم های سابق شاهنشاهی وضع این طور بود که مردم حال گریز داشتند، و اینها می خواستند آنها را با فشار نگه دارند و از آنها بدوشند، از این جهت دیکتاتوری پیدا می شد. شاهش دیکتاتور بود و- عرض می کنم که- استاندارهایشان هم همین طور، و فرماندارهایش هم همین طور، و شهربانی اش هم همین طور، و همه شان، ارتش هم همین معنا بود. برای اینکه، اینها می دیدند که مردم با آنها همراه نیستند، آنها هم که می خواهند استفاده بکنند، مسأله هم استفاده بود، نه مسأله برای انگیزه انسانی بود، برای استفاده بود، از این جهت، این انگیزه

دیکتاتوری می شد، تو سر مردم زدن می شد. آن روزی که شما احساس کردید که می خواهید فشار به مردم بیاورید بدانید که دیکتاتور دارید می شوید. بدانید که مردم معلوم می شود از شما رو برگردانده اند. مادامی که مردم هستند و کمک دارند به شما می کنند، شما اگر مردم نبودند نمی توانستید این جنگ را اداره بکنید، این شک ندارد. مردم اداره کردند، یعنی این سپاه مردمند، این بسیجی ها مردمند، ارتش هم امروز مردم است. اگر ارتش سابق بود همان طوری که خیال کرده بود صدام، خیالش به واقعیت می پیوست. برای اینکه، یک ارتشی بود که انگیزه اسلامی نداشت و انگیزه منافع شخصی داشت و به مجرد اینکه وارد می شدند آنها هم دست بر می داشتند. خوب، ما سابق دیدیم که وقتی که جنگ عمومی پیش آمد بدون اینکه با ما کار داشته باشند، آنها می خواستند از اینجا عبور کنند، هیچ هم کار به ما نداشتند، به مجرد اینکه اینها در سرحد وارد شدند، تمام ارتشی ها و ژاندارمری همه فرار کردند. و در تهران هم من خودم شاهد بودم که تهران هم چمدان ها را همین ارتشبد ها و امثال اینها می بستند و از تهران فرار می کردند. کجا می خواستند بروند نمی دانم. و من دیدم که این سربازهایی که از توی سربازخانه ها آمده اند بیرون می گردند دنبال اینکه یک چیزی پیدا کنند بخورند. این برای این بود که، مردم همراه نبودند. مردم شکر می کردند که آمدند اینجا و رضا خان رفت. این یک واقعیت بود که ما شاهد بودیم این معنا را که شکر می کردند که خدا به آنها یک منتهی گذاشته است که اجنبی ها، آنی که اجنبی بودند، از روسیه بود، از امریکا بود، از انگلستان بود، اینها آمدند و «پهلوی» رفت. وضع این طوری بود، چنانچه دیدید وقتی که محمد رضا هم رفت مردم ریختند و آن طور جشن بپا کردند، گویی که الآن سلطنت طلب ها در خارج همین دیشب هم می گفتند که همه ایران سلطنت طلبند، و اعلیحضرت رضای دوم «ا» الآن محبوبیتی دارد که مردم همه با او هستند! خوب، اینها بگویند. و من اعتقاد این است که این رندها جمع شده اند دنبال این بچه که پول هایش را از جیبش درآورند. اینها می خواهند این را، پول هایی که پدر کذایش از مردم گرفته و حالا در بانک ها دست این است با این بهانه ها از او در آورند و بعد هم رهایش کنند برود سراغ کارش. و من صلاحش را می دانم برود سراغ تحصیل و برود سراغ یک کاسبی. بداند که دیگر این کارها گذشته است. مردم اگر چنانچه جمهوری اسلامی هم نباشد، دیگر سلطنت طلب نیستند، این شکی در کار نیست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این موارد به این نکته فکر کنید که به هر حال انقلاب اسلامی فرصتی است تاریخی، حال باید از خود بپرسیم چه نسبتی بین عملکرد ما و این فرصت تاریخی هست تا جدی تر از آنچه هستیم باشیم؟

متفکران جهان مدرن مانند ویل دورانت خود را در احساس تاریخی خود جستجو می کردند، در آن حدّ که در تلاش های خود روز و شب نداشتند. حال مائیم و اتفاقی که از طریق انقلاب اسلامی پیش روی

ما قرار گرفته و ما را دعوت می‌کند تا متفکرانه نسبت به آن فکر کنیم، از آن جهت که وظیفه متفکر، درک زمان و توجه به ظرفیت‌های پیش آمده است، در عین توجه به دردهای انباشته قرن‌ها و دهه‌هایی که به ارث برده‌ایم و البته برای عبور از آن‌ها باید روحی دیگر به میان آید، روحی که چراغی باشد برافروخته شده از روح خلوت‌نشینی به نام حضرت روح‌الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» تا در نتیجه تغییری در بنیان جان انسان‌ها شکل بگیرد و تاریخ دیگری آغاز شود و آینده دیگری به میان آید، غیر از آینده‌ای که جهان مدرن مدّ نظر انسان‌ها قرار داده بود، آینده‌ای که با آزادی و تفکر محقق می‌شود و انسان‌ها با انتخاب خود متوجه زمان قدسی‌شان در تاریخ باشند، با خودآگاهی نسبت به بی‌نظمی‌ها و پریشانی‌ها و پراکنده‌کاری‌هایی که ما را در بر گرفته و در عین حال با حضور در قلمرو تاریخی که با انقلاب اسلامی پیش آمده می‌توان به خردی رسید که اشاره به آینده دیگری دارد، در عین ایمان و امید. موفق باشید